

تقدیم به:

روح بلند مرحوم استاد حمید ساعتی منفرد
که مرا معلّم عشقِ آن معلّم
دلسوز، شاعری آموخت...

به نام خداوند قلم و اندیشه

دانش آموز عزیز، معلم گرامی

بسیار خوشحالیم که در آغاز راهی نو، کتاب کار فارسی هفتم را با افتخار به عنوان همسفر شما در دنیای شگفت‌انگیز واژه‌ها و مفاهیم، تقدیم می‌کنیم.

فارسی، زبانی است که با آن می‌اندیشیم، سخن می‌گوییم و احساسات خود را بیان می‌کنیم. آموختن آن، فراتر از یادگیری یک درس و گامی است به سوی شناخت عمیق‌تر خود و جهان پیرامونمان.

کتاب پیش رو با هدف ایجاد تجربه‌ای لذت‌بخش و به‌یادماندنی از یادگیری درس فارسی طراحی شده است. ساختار کتاب با هفده درس، شما را گام‌به‌گام با ظرافت‌های این زبان آشنا می‌سازد. کوشیده‌ایم تا با زبانی ساده و گیرا، توضیحات درس‌نامه را ارائه دهیم تا مفاهیم پیچیده نیز به آسانی قابل درک باشند.

اما یادگیری، تنها با دانستن کامل نمی‌شود. برای تثبیت یادگیری و پرورش خلاقیت، تمرین‌ها و پرسش‌های متنوعی را در هر درس گنجانده‌ایم. امیدواریم این کتاب، برای دانش‌آموزان عزیز، فرصتی برای آزمودن آموخته‌هایشان باشد و برای معلمان گرامی نیز ابزاری کارآمد برای هدایت و ارزیابی یادگیری.

این شما و این هم کتاب کار فارسی هفتم با کلی تغییرات خوب (😊)

اول دفتر به نام ایزد دانا صانع پروردگار حی توانا

قبل از هر حدس و بحثی، باید خدای مهربان و خیلی دوست‌داشتنی را شکر کنم که بعد از حدود ده سال، بالأخره فرصت و رخصت این فراهم شد که ویرایش و بازنویسی تازه‌ای از کتاب کار فارسی هفتم آماده کنیم و تروتمیز و شسته‌و‌رفته، در اختیار شما قرار بگیرد؛ شمایی که یا دانش‌آموزان کوشا و پرتلاشی هستید که دوست دارید با بقیه فرق داشته باشید، یا دبیر دلسوز و نکته‌سنجی هستید که علاقه‌مندید شاگردانتان تجربه‌های متفاوت و به‌یادماندنی از کتاب و کلاس فارسی در حافظه ببندوزند!

نسخه حاضر از کتاب کار فارسی هفتم، در حقیقت بازنویسی کاملی از این کتاب است و در آن، عزممان را جزم کردیم و پاشنه همت را ور کشیدیم و همه تجربه و دانسته‌هایمان را پای کار آوردیم تا یک کتاب همه‌چیز تمام از آب دریاوریم! درس‌نامه کتاب را از نو ساختیم و پرداختیم و کلی تمرین و پرسش متنوع و جذاب با موضوع‌های رنگارنگ به کتاب اضافه کردیم تا نتیجه، برای همه دانش‌آموزان قابل استفاده باشد؛ چه افرادی که فقط می‌خواهند از پس آزمون‌ها و سؤالات مدرسه بریایند و چه دانش‌آموزانی که هدف‌های بالاتر و چشم‌اندازهای بالاتر برای خودشان تعریف کرده‌اند.

در کتاب کار جدید فارسی هفتم، بعضی از بخش‌ها یا پرسش‌ها با برچسب‌های خاصی مشخص شده‌اند که هر کدام معنای مربوط به خود را دارد:

این‌ها سؤالاتی هستند که از حد معمول کتاب درسی بالاترند و برای دانش‌آموزانی مفید است که می‌خواهند کارهای ویژه‌تری انجام بدهند، نه برای همه.

یه جای کار می‌لنگه! در این پرسش‌ها، پاسخ نوشته شده، ولی باید به دنبال اشتباه در پاسخ باشید و آن را پیدا کنید.

اشتباه رایج از این برچسب در بخش درس‌نامه استفاده کرده‌ایم و اشتباهاتی را که معمولاً دانش‌آموزان دچار می‌شوند، در آن‌ها می‌بینید.

البته همه این چیزهایی که گفتم، دلیل نمی‌شود که شما نقاط ضعف یا ایراد و اشکال‌های ما را به ما گوشزد نکنید یا ما را از پیشنهاد‌های طلایی‌تان محروم کنید! پس، لطفاً و حتماً حق رفاقت را به جا بیاورید و نظر و پیشنهاد و اشکال و انتقادات را با ما در میان بگذارید!

اجازه دهید من هم در پایان این یادداشت، حق رفاقت را ادا کنم و یک تشکر و خسته نباشید و خداقوت جانانه بگویم به همه همکاران عزیز خیلی‌سبزی خودم که چندین ماه همدیگر را حسابی اذیت و خسته کردیم تا برسیم به یک کتاب کامل برای رفقای همراه و پیگیر خیلی‌سبز! به‌ویژه سرکار خانم زهرا سیدقاسم که زحمت همه هماهنگی‌ها و پیگیری‌ها بر دوش ایشان بود؛ هم‌چنین سرکار خانم زهرا صادقی که نکات و پیشنهاد‌های عمیق و دقیقشان بسیار کمک‌کننده و ایده‌دهنده بود. خدای بزرگ به این عزیزان و خانواده‌هایشان سلامتی و تندرستی عنایت کند؛ آمین!

سید علی عاملیان

۷	ستایش	✓
۱۲	درس اوّل: زنگ آفرینش	۱
۲۰	درس دوم: چشمه معرفت	۲
۲۹	درس سوم: نسل آینده ساز	۳
۳۶	درس چهارم: با بهاری که می رسد از راه	۴
۴۴	درس ششم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟	۶
۵۱	درس هفتم: علم زندگانی	۷
۶۰	درس هشتم: زندگی همین لحظه هاست	۸
۷۱	آزمون نیم سال اوّل	?
۷۳	درس نهم: نصیحت امام (قدس سره)، شوق خواندن	۹
۸۱	درس دهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف، ...	۱۰
۹۴	درس یازدهم: عهد و پیمان، عشق به مردم، ...	۱۱
۱۰۰	درس دوازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران	۱۲
۱۰۹	درس سیزدهم: اُسوه نیکو	۱۳
۱۱۷	درس چهاردهم: امام خمینی (قدس سره)	۱۴
۱۲۹	درس پانزدهم: آزاد	۱۵
۱۳۳	درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک	۱۶
۱۴۰	درس هفدهم: ما می توانیم	۱۷
۱۴۸	نیایش	✓
۱۵۳	آزمون نیم سال دوم	?



ستایش

واژه‌نامه



★ کارگشا: کنایه از «حل‌کننده مشکلات» و «آسان‌کننده کارها» ★ مونس: همدم، یار (هم‌خانواده: انس، انیس) نامه: در این درس: کتاب ★ نانموده: آشکارنشده، پنهان (متضاد: آشکار، پیدا) ★ هست‌کن: به‌وجودآورنده، آفریننده، خالق ★ هستند: وجود دارند ★ هستی: جهان، دنیا، عالم وجود	(گاهی به معنای «دخالت» هم به کار می‌رود). ★ دستاویز: کنایه از «یاری‌دهنده» و «یاور» ★ روان: روح، جان (این واژه گاهی معنای «جاری» هم دارد). ★ ظلمت: تیرگی، تاریکی؛ در این درس: گناه، گمراهی (هم‌خانواده: ظلم، ظالم، مظلوم) (متضاد: نور، روشنایی) ★ عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان ★ قدم: پا (هم‌خانواده: اقدام، مقدم، تقدیم)	★ اساس: پایه، بنیاد (هم‌خانواده: تأسیس، مؤسس، مؤسسه) ★ استوار: پابرجا، محکم (متضاد: سست) ★ پریشان: آشفته ★ توفیق: سازگاری، موافقت (هم‌خانواده: موافق، موافقت) ★ جان‌بازی: کنایه از «فداکاری» و «به‌خطر انداختن جان» ★ درازدستی: کنایه از «ستمگری» و «زورگویی»
---	--	---

واژه‌های مهم املائی



مونس روان - هست‌کن اساس هستی - قصه نانموده - عنایت الهی - ظلمت و نور - توفیق - دستاویز - کارگشا - از راه نیفتیم

- نکته ۱** واژه «اساس» به معنای «پایه» و «بنیاد» است، ولی همین واژه اگر به صورت «اثاث» نوشته شود، معنی «وسيله» و «ابزار» می‌دهد. با این توضیح، به نظر شما «اساس‌کشی» درست است یا «اثاث‌کشی»؟
- نکته ۲** واژه «قصه» به معنای «حکایت» و «داستان» است و نباید آن را با واژه «غصه» به معنای «غم» و «اندوه» اشتباه بگیریم. حال به نظر شما تفاوت معنای عبارت‌های «قصه پرغصه» و «غصه پر قصه» چیست؟

معنی ابیات و عبارت‌های مهم



ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

معنی ای کسی که نام تو بهترین آغاز است، من هرگز کتابی را بدون نام تو شروع نمی‌کنم. **مفهوم** آغاز همه کارها با نام خداوند

نکته هدف از پرسش در مصراع دوم این بیت، دانستن جواب نیست، بلکه تأکید بر یک موضوع است. به همین دلیل، باید این جمله پرسشی را به صورت خبری معنا کنیم.

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو، نیت بر زبانم

معنی ای کسی که یاد تو همدم روح و جان من است، من فقط نام تو را می‌گویم و بر زبان می‌آورم. **مفهوم** ذکر همیشگی خداوند

ای کارگشای هر چه بستند نام تو، کلید هر چه بستند

معنی ای حل‌کننده مشکلات همه موجودات، نام تو مانند کلید است که در همه قفل‌های بسته او چیزهای دشوار و پیچیده را باز می‌کند. **مفهوم** مشکل‌گشایی خداوند **آرایه** تشبیه: نام تو به کلید

ای هست‌کن اساس هستی کوته ز دُرت، درازدستی

معنی ای آفریننده پایه و بنیاد جهان! در درگاه تو هیچ ستمگری و ظلمی وجود ندارد. **مفهوم** خالق بودن خداوند / دوربودن خداوند از ظلم **آرایه** کنایه: درازدستی کنایه از ستمگری و زورگویی

هم قصه نمانوده، دانی هم نامه نداشت، خوانی

معنی هم داستان پنهان را می‌دانی و هم از نامه نوشته‌نشده باخبر هستی. **مفهوم** آگاهی خداوند از همه چیز

هم تو، به عنایت الهی آن جا، قدم رسان که خواهی

معنی خود تو با توجه و بخشایش خداوندی‌ات، مرا به جایی برسان که می‌خواهی [او می‌پسندی]. **مفهوم** طلب هدایت از خداوند

از ظلمت خود، رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

معنی مرا از گناه و گمراهی خودم نجات بده و با نور معرفت (هدایت) خودت آشنا کن. **مفهوم** طلب هدایت از خداوند **آرایه** تضاد: ظلمت و نور

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم.

معنی خدایا جرئت و توانی بده که برای تو، جانمان را فدا کنیم. **آرایه** کنایه: دل داشتن کنایه از جرئت داشتن - جان بازی کنایه از فداکردن جان

جانی ده که کار آن جهان سازیم. دانایی ده که از راه نیفتیم. بینایی ده تا در چاه نیفتیم. دست گیر که دستاویز نداریم. نگاه دار تا پریشان نشویم.

معنی روحی به ما ببخش که خودمان را برای جهان آخرت آماده کنیم. به ما علم و دانش عطا کن تا گمراه نشویم. بینایی به ما ببخش تا گمراه و گرفتار نشویم. به ما کمک کن، زیرا هیچ یاور و یاریگری نداریم. ما را حفظ کن تا پراکنده یا غمگین نشویم. **آرایه** کنایه: از راه افتادن کنایه از گمراه شدن یا نادرست رفتار کردن / کنایه: در چاه افتادن کنایه از گمراه شدن

تاریخ ادبیات

نظامی گنجیه‌ای



تولد: ۵۳۰ هجری قمری / تولد در شهر «گنجه» (از شهرهای امروزی جمهوری آذربایجان) / تحصیل ادب، قصص و تاریخ در جوانی / به اوج رسیدن داستان‌پردازی در منظومه‌های او / آثار: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت‌پیکر، اسکندرنامه / درگذشت: ۶۱۴ هجری قمری

خواجه عبدالله انصاری

تولد: ۳۹۶ هجری قمری / معروف به «پیر هرات» / فراگیری علوم دینی و ادبی در جوانی / سرودن شعر به فارسی و عربی / دارای نثر آهنگین و «مسجع» در آثارش / آثار: مناجات‌نامه، الهی‌نامه / درگذشت: ۴۸۱ هجری قمری

پرسش‌ها

واژه‌شناسی

برای واژه مشخص شده یک هم‌معنا بنویس.

- ۱ ای هست‌گن اساس هستی
- ۲ هم قصه نمانوده، دانی
- ۳ الهی، توفیق ده تا در دین استوار شویم.

برخی واژه‌ها چندمعنایی هستند؛ یعنی می‌توانند چند معنای گوناگون داشته باشند. در هر جمله، تعیین کن که کدام معنا برای واژه مشخص شده مناسب است.

- ۴ صد نامه فرستادم و آن شاه سواران
یکی نامه بود از گه باستان
پیکری ندوانید و سلامی نفرستاد ☐ کتاب ☐ یادداشت ارسالی
- ۵ چه قدر زیباست که در کنار این آب روان اندکی بنشینیم.
با این سخنان نادرست، همه روان مرا به هم ریخته است.
فراروان بدو اندرون، داستان ☐ کتاب ☐ یادداشت ارسالی
- جاری ☐ روح ☐
- جاری ☐ روح ☐

درس اول: زنگ آفرینش



واژه‌نامه



بگزارد: ادا کند، به جا بیاورد، انجام دهد
پوستین: لباسی که از پوست جانوران درست شود.
★ در پوستین خلق افتادن: کنایه از «غیبت کردن»
دو گانه: نماز دور کعتی، نماز صبح
سر بر نمی‌دارد: کنایه از این که «بیدار نمی‌شود»
شب‌خیز: شب‌زنده‌دار، شب‌بیدار
طایفه: گروه، قوم
★ طفولیت: کودکی، خردسالی
عزیز: عزّتمند، محترم، گرامی
★ غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی (هم‌خانواده: غافل)
گرد: اطراف، دور
★ متعبّد: شکرگزار، عبادت‌کننده (هم‌خانواده: عبد، عابد، عبادت، معبود)
★ مُصحف: کتاب، کتاب آسمانی، قرآن کریم (هم‌خانواده: صحیفه)

غریب: ناآشنا (متضاد: قریب، آشنا)
غلتید: قِل خورد
★ غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه
★ فارغ: آسوده، راحت (هم‌خانواده: فراغت)
(متضاد: گرفتار)
★ فروغ: روشنایی، نور
★ قریب: نزدیک، حدود
★ کام: آرزو، میل، خواسته (گاهی در معنای «دهان» یا «قسمتی از دهان» هم به کار می‌رود).
کوچ: سفر، مهاجرت
★ گلدسته: مناره
نسیم: باد ملایم و خوشایند
حکایت: اندرز پدر
★ اندرز: پند، نصیحت
ایام: روزها، روزگار (مفرد: یوم)

جمله: همه
فروغ: روشنایی، نور
★ آفق: کرانهٔ آسمان؛ در این درس: سرزمین (جمع: آفاق)
پیغمبر: پیام‌آور، پیام‌رسان
دل‌تنگ: کنایه از «غمگین» و «ناراحت»
راز و نیاز: عبادت، مناجات، دعا کردن
رهسپار: راهی، عازم، مسافر
★ زائر: دیدارکننده، زیارت‌کننده (جمع: زوّار) (هم‌خانواده: زیارت، مزار)
★ زنجره: نوعی حشره که از خود صدا تولید می‌کند، سیرسیرک
شبنم: ژاله، قطرات ریز آب که هنگام صبح روی برگ گیاهان و گل‌ها ایجاد می‌شود.
صفر: دومین ماه قمری

فارسی هفتم کار

واژه‌های مهم املائی



غوغای کلاس - موضوع تازه - برخاست و نشست - ذره‌ذره - غلتید - غنچه و باغ - فارغ از سنگ - افق‌های دور - پیغمبر بهار - زائر حرم - زنجره - ایام طفولیت - متعبّد و شب‌خیز - مصحف عزیز - طایفه - دو گانه بگزارد - خواب غفلت

معنی ابیات و عبارت‌های مهم



جهان، جلم فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی ست پنهان

معنی: همهٔ جهان جلوه‌ای از وجود خداوند است، ولی خداوند از شدت آشکاربودن نشانه‌ها، پنهان به نظر می‌رسد. **مفهوم:** آشکاربودن نشانه‌های خداوند در همهٔ جهان هستی **آرایه:** تضاد: پیدا و پنهان / تکرار: حق **دستور:** «دان» در مصراع اول، فعل امر از «دانستن» است. **دانش ادبی:** «دان» و «پنهان» قافیه است و ردیف ندارد. **توضیح:** منظور از حق، خداوند است.

بچه‌ها کرم گفت‌وگو بودند باز هم در کلاس، غوغا بود

معنی: بچه‌ها مشغول حرف‌زدن بودند و دوباره، کلاس پر از سر و صدا و شلوغی بود. **آرایه:** کنایه: گرم چیزی بودن کنایه از مشغول کاری بودن

تا معلّم ز گرد راه رسید گفت با چهره‌ای پر از خنده:

معنی: تا معلّم از راه رسید، با چهره‌ای خندان گفت: ... **آرایه:** کنایه: از گرد راه رسیدن کنایه از به محض رسیدن از راه

غنچه هم گفت: کرچه دل تنگم مثل لبخند، باز خواهم شد

معنی غنچه هم گفت: هرچند غمگین و ناراحت هستم، ولی مثل لبخند می شکم و باز می شوم. (غنچه به دلیل بسته بودن گلبرگ هایش، غمگین و ناراحت تصوّر می شود؛ شکفتن و باز شدن غنچه را هم مانند لبخند زدن آن می بینند.) **آرایه** تشخیص: «سخن گفتن غنچه» // کنایه: دلتنگ بودن کنایه از غمگین و ناراحت بودن // تشبیه: غنچه به لبخند

با نسیم بهار و بسل باغ کرم راز و نیاز خواهم شد

معنی همراه با باد بهاری و بلبلان باغ، مشغول عبادت و مناجات خواهم شد. **آرایه** کنایه: گرم کاری شدن کنایه از مشغول کاری شدن

جوجه گنجشک گفت: می خواهم فارغ از سنگ بچم باشم

معنی جوجه گنجشک گفت: دوست دارم از سنگ هایی که بچه ها به سویم پرتاب می کنند، آسوده و در امان باشم. **مفهوم** آرزوی امنیت و آرامش

تا افق های دور کوچ کنم باز پیشربهار شوم!

معنی تا سرزمین های دور سفر کنم و دوباره پیام آور رسیدن بهار باشم.

با خوش زیر لب، چنین می گفت: آرزوایتان چه رنگین است!

معنی با خودش زیر لب، این طور می گفت: چه قدر آرزوهایتان متفاوت و جذاب است! **آرایه** کنایه: رنگین بودن کنایه از متفاوت و جذاب بودن - زیر لب چیزی گفتن کنایه از آهسته گفتن و زمزمه کردن

کاش روزی به کام خود برسید بچم! آرزوی من این است!

معنی بچه ها، آرزوی من این است که شما روزی به آرزوی خودتان برسید. **دستور** «بچه ها» در این بیت «منادا» است و به تنهایی یک جمله محسوب می شود.

حکایت: اندرز پدر

یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبّد و شب خیز بودم.

معنی یاد می آید که در روزگار کودکی، اهل عبادت و شب زنده دار بودم.

همه شب، دیده بر هم نبسته و مُصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته.

معنی تمام طول شب را بیدار بودم و قرآن عزیز را در کنار داشتم [و در حال خواندن قرآن بودم] و گروهی هم دورتادور ما خوابیده بودند.

آرایه کنایه: دیده بر هم نبستن کنایه از نخوابیدن

پدر را گفتم: از اینان، یکی سر بر نمی دارد که دو گانه ای بگذارد. چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند.

معنی به پدر گفتم: از این ها، یک نفر هم بیدار نمی شود تا دو رکعت نماز بخواند. آن چنان در غفلت و بی خبری به خواب رفته اند که انگار خوابیده اند، بلکه

مرده اند. **آرایه** کنایه: سر برداشتن کنایه از بیدار نشدن // تشبیه: خوابیدن به مردن **دستور** «را» معنای «به» (حرف اضافه) دارد. (پدر را گفتم = به پدر گفتم)

جان پدر! تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق افتی.

معنی عزیز پدر، تو هم اگر می خوابیدی، بهتر از آن بود که غیبت مردم را می کردی. **آرایه** کنایه: در پوستین خلق افتادن کنایه از غیبت کردن

دستور «جان پدر» در این عبارت «منادا» است که بدون حرف ندا آمده است. فعل «است» پس از واژه «په» حذف شده است.

دانش زبانی

«جمله» چیست؟

وقتی یک یا چند واژه در کنار هم قرار بگیرند و معنای کاملی را برسانند، «جمله» به وجود می آید. به عبارت دیگر، «جمله» مجموعه ای از یک یا چند کلمه است که وقتی آن ها را می شنویم یا می خوانیم، معنای کاملی در ذهن ما شکل می گیرد و منتظر واژه دیگری برای تکمیل معنا نیستیم.

«تعداد جمله ها» را چگونه بشماریم؟

برای شمردن تعداد جمله های یک عبارت یا یک بیت، باید به موارد زیر توجه کنیم:

هر «فعل» نشان دهنده وجود یک «جمله» است.

نکته گاهی جمله فقط از یک فعل تشکیل شده است، مانند «رفت» یا «می‌بینم» و گاهی غیر از این فعل، واژه‌های دیگری هم در جمله وجود دارند؛ مانند «من با دوستم به گردش و تفریح می‌روم.» یا «زهره امسال کتاب‌های بسیاری را مطالعه کرده است.»

❶ هر «فعل» حذف‌شده از متن، یک جمله محسوب می‌شود؛ مانند مصراع زیر:

«هر یکی برگ کوچکی در دست» ← «هر یکی برگ کوچکی در دست [داشت].»

❷ هر «شبه‌جمله»، به تنهایی یک جمله محسوب می‌شود. («شبه‌جمله» به واژه‌ها یا عبارت‌هایی می‌گویند که ظاهری شبیه جمله ندارند و بدون فعل هستند، ولی معنای کاملی را می‌رسانند).

نکته ۱ عبارت‌هایی مانند «سلام!»، «وای!»، «کاش»، «آفرین!» و ... شبه‌جمله به شمار می‌آیند.

۲ «منادا» یکی از انواع شبه‌جمله است؛ بنابراین هر «منادا»، چون یک شبه‌جمله است، یک جمله جداگانه محسوب می‌شود.

اشتباه رایج گاهی در ساختمان برخی از واژه‌ها، فعل به کار می‌رود؛ در این حالت، دیگر فعل محسوب نمی‌شوند و نشان‌دهنده یک جمله هم نخواهند بود! مثلاً در جمله «من رفت و آمد با مترو را دوست دارم.» واژه‌های «رفت» و «آمد» فعل و جمله نیستند، بلکه در ساختمان واژه «رفت و آمد» به کار رفته‌اند و همراه با هم معنای «جابه‌جایی» می‌دهند! واژه‌هایی مانند «هست‌کن» و «گفت‌وگو» نیز همین ویژگی را دارند.

دانش ادبی

«آرایه ادبی» چیست؟

نویسندگان و شاعران ماهر و کاربلد، معمولاً از شگردها و هنرنمایی‌هایی برای زیباتر و دلنشین‌تر کردن نوشته یا شعرشان استفاده می‌کنند؛ دقیقاً مانند یک نقاش که با استفاده از رنگ‌ها و طرح‌های مختلف، نقاشی‌اش را جذاب‌تر و زیباتر می‌کند. شاعران و ادیبان به این شگردها «آرایه‌های ادبی» می‌گویند. «آرایه» یعنی «زیباکننده» و «آرایش‌دهنده»!

«آرایه تشخیص» چگونه ایجاد می‌شود؟

هنگامی که یک ویژگی مخصوص «انسان» را درباره یک شیء، گیاه، جانور یا به طور کلی هر موجود غیرانسان به کار ببریم، آرایه «تشخیص» یا «شخصیت‌بخشی» به وجود می‌آید. در حقیقت، در آرایه «تشخیص» فرض می‌کنیم که یک موجود غیرانسان، تبدیل به انسان شده است! «صحبت کردن»، «فهمیدن سخن دیگران»، «فکر کردن»، «خندیدن» و ... از ویژگی‌های انسان هستند که گاهی درباره موجودات دیگر استفاده می‌شوند و آرایه «تشخیص» را پدید می‌آورند.

مثال

«دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند»

«نوشتن انشا» و «خواندن انشا» از ویژگی‌های انسان است که درباره «دانه» به کار رفته است.

«غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم مثل لبخند، باز خواهم شد»

«سخن گفتن» و «دلتنگ‌بودن» از خصوصیات انسان است که به «غنچه» نسبت داده شده است.

❶ بسیاری از قصه‌ها بر پایه آرایه تشخیص شکل گرفته‌اند و در آن‌ها، موجودات مختلف حرف می‌زنند یا کارهای انسانی انجام می‌دهند. هم‌چنین خیلی از پویانمایی‌ها (انیمیشن‌ها) هم نمونه‌های امروزی استفاده از آرایه تشخیص محسوب می‌شوند!

❷ در بسیاری از شعرهایی که به شیوه «مناظره» سروده می‌شوند، آرایه تشخیص نقش پررنگ و مؤثری دارد، مانند شعر «میوه هنر» که در کتاب فارسی ششم دبستان خوانده‌اید.

یادآوری «مناظره» یکی از روش‌های مورد توجه شاعران، مخصوصاً در متن‌های تعلیمی و نصیحت‌آمیز است. همان‌طور که در سال ششم هم آموخته‌اید، «مناظره» به شعری گفته می‌شود که در آن، معمولاً دو نفر انسان یا دو موجود غیرانسان، درباره موضوعی با هم بحث و گفت‌وگو می‌کنند و هر کدام تلاش می‌کند تا نظرش را اثبات کند و حرفش را به کرسی بنشاند! بیشتر مناظره‌ها به صورت پرسش و پاسخ هستند.

❸ حالا به نظر شما، شعر «زنگ آفرینش» را می‌توانیم نوعی «مناظره» بدانیم؟ دلیل پاسخت را هم بنویس!

در هر دسته از واژه‌های هم‌خانواده زیر، سه حرف مشترک وجود دارد؛ آن‌ها را پیدا کن و روبه‌روی هر دسته بنویس.

۱۲ رابطه - مرتبط - ارتباط

۱۳ علاقه - تعلق - متعلق

املا

با توجه به معنی هر واژه، حرف مناسب را برای پر کردن جای خالی انتخاب کن.

۱۴ ر.....یا: خواب خوش (و / و / ع)

۱۵ اندر.....: نصیحت (ز / ذ)

۱۶ تب.....م: لبخند (س / ص)

۱۷ است.....لال: وابسته‌نبودن (ق / غ)

در هر مورد، شکل املايي درست را انتخاب کن و دور آن خط بکش.

۱۸ باید نیروی جوانی را با «تأمل / تعمّل» و تفکر همراه کنیم.

۱۹ شادابی و «بصیرت / بصیرت» به ما کمک می‌کند که به شکوفایی برسیم.

جاهای خالی را مانند نمونه زیر پر کن.

بخشنده + ی ← بخشندگی

۲۰ دل‌بسته + ی ←

۲۱ همسایه + ی ←

۲۲ کم‌حاصله + ی ←

کدام واژه با بقیه متفاوت است؟

۲۳ قشنگی ☐ آراستگی ☐ پاکیزگی ☐ یازده‌سالگی ☐

۲۴ دل‌سردی ☐ شگفتی ☐ بزرگسالی ☐ زندگی ☐

معنی و مفهوم و درک مطلب

در بیت‌های زیر، منظور از بخش‌های مشخص شده چیست؟

۲۵ بر درختی، شکوفه‌ای خندید در کتابی، بهار معنا شد

۲۶ زندگی بر تو می‌زند لبخند هست وقت شکفتن امروز

۲۷ بهتر از هر چه هست در دنیا با خدا راز گفتن امروز

بیت‌های زیر را بدون معنا کردن واژه‌ها، فقط با جابه‌جا کردن کلمات به یک جمله عادی زبان امروز تبدیل کن. (به نمونه نوشته شده دقت کن.)

۲۸ زندگی بر تو می‌زند لبخند هست وقت شکفتن امروز (منتفب مدرس)

نمونه: زندگی بر تو لبخند می‌زند؛ امروز وقت شکفتن هست.

۲۹ روشن و گرم و زندگی‌پرداز آسمان، مثل یک تبسم شد (منتفب مدرس)

۳۰ بهتر از هر چه هست در دنیا با خدا راز گفتن امروز (منتفب مدرس)

معنای بیت‌های زیر را به فارسی روان و امروزی بنویس.

۳۱ هر چه سرما و هر چه دل‌سردی پر زد آهسته، از نظر گم شد (منتفب مدرس)

۳۲ با نسیمی که زندگی در اوست باز چشم جوانه‌ای وا شد (منتفب مدرس)

۳۳ در کدام گزینه، عبارتی با مفهوم «فراوان بودن» یا «فراوان شدن» وجود ندارد؟

☐ دوستی خوب است که در دلش ایمان و مهربانی موج بزند. ☐ مهارت‌های هنری، زندگی را از امید به آینده سرشار می‌سازد.

☐ از یازده‌سالگی آغاز می‌شود و تا هجده‌سالگی ادامه می‌یابد. ☐ از چهره و نگاه دوست خوب، باید امیدواری و نشاط بجوشد.

ردیف	سؤالات	نمره
	الف) معنی شعر و نثر (۶ نمره)	
۱	۱. ابیات و عبارات زیر را به نثر روان و امروزی بازنویسی کنید.	۱
۲	الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم، جانی ده که کار آن جهان سازیم و دست گیر که دست آویز نداریم.	۱
۳	کودکان پر نشاط گل بوته‌ها و نوجوانان امیدوار دژت‌ها در گوش نسیم آمین می‌گفتند.	۱
۴	نگردد شاخک بی‌بن برومند ز تو سعی و عمل باید ز من پند	۰/۷۵
۵	بہتر از هر چه هست در دنیا با خدا راز گفتنت امروز	۰/۷۵
۶	بر نامده و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن	۰/۷۵
۷	همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته.	۰/۷۵
۸	زندگی بر تو می‌زند لبخند هست وقت شکفتنت امروز	۰/۵
۹	یکهو بی‌بی از کوره در رفت و دادش بلند شد.	۰/۵
	ب) شناخت و معنی واژه (۲ نمره)	
۱۰	۱. در هر عبارت، معنای واژه مشخص شده را بنویسید.	۰/۵
۱۱	قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود.	۰/۲۵
۱۲	باز هم در کلاس غوغا شد.	۰/۲۵
۱۳	آب این روح مذاب امید و زندگی.	۰/۲۵
۱۴	شبی مادر از من درخواست کرد که امشب سرد است، نزد من <u>بخسب</u> .	۰/۲۵
۱۵	نگشت آسایشم یک لحظه دمساز	۰/۲۵
۱۶	هیچ گله‌ای هم از تنگی جا نداشتند.	۰/۲۵
۱۷	برخی از رسانه‌ها از <u>انحراف</u> نسل جوان سخن می‌گویند، ولی من قبول ندارم.	۰/۲۵
	پ) درک متن (۴ نمره)	
۱۸	در بیت زیر، به کدام ویژگی درخت «سرو» اشاره شده است؟	۰/۵
۱۹	«این زندگی حلال کسانی که همچو سرو آزاد زیست کرده و آزاد می‌روند»	
۲۰	۲. با توجه به بیت زیر، به دو پرسش بعد از آن پاسخ دهید.	
۲۱	«قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا‌های خویش»	۰/۵
۲۲	در بیت بالا، منظور از «دریا‌های خویش» چیست؟	۰/۵
۲۳	چرا شاعر «دانش» را به «قطره» تشبیه کرده است؟	
۲۴	هر کدام از مصراع‌های بیت زیر، به کدام صفت خداوند اشاره دارند؟	۱
۲۵	«ای هست کن اساس هستی کوه ز درت درازدستی»	۰/۵
۲۶	در بیت زیر، شاعر بهترین کار در دنیا را چه می‌داند؟	۰/۵
۲۷	«بہتر از هر چه هست در دنیا با خدا راز گفتنت امروز»	
۲۸	۳. منظور از «خود» در هر یک از مصراع‌های بیت زیر چیست؟	
۲۹	«از ظلمت خود رهایی‌ام ده / با نور خود آشنایی‌ام ده»	۰/۵
۳۰	مفهوم کدام بیت متفاوت است؟	۰/۵
۳۱	۱) برگ درختان سبز، در نظر هوشیار	
۳۲	۲) برآرد تهی دست‌های نیاز	
۳۳	۳) جهان، جمله فروغ روی حق دان	
	ت) دانش‌های زبانی و ادبی (۴ نمره)	
۳۴	۱. هر بیت سمت راست را به آرایه مربوط به آن در سمت چپ وصل کنید. (هر بیت فقط به یک آرایه هم فقط مربوط به یک بیت است).	۱
۳۵	شبنم از روی برگ گل برخاست	گفت: می‌خواهم آفتاب شوم
۳۶	از ظلمت خود رهایی‌ام ده	با نور خود آشنایی‌ام ده
		تکرار
		تشخیص

ردیف	نمره	سؤال
۲۵		نمودش بس که دور آن راه نزدیک
۲۶		شده گیتی به پیش چشم، تاریک
		تضاد
		گه از دیوار سنگ آمد، گه از در
		گهم سرپنجه خونین شد، گهی سر
		کنایه
		متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های ۲۶ و ۲۷ پاسخ دهید.
		«استاد حسابی، حافظ قرآن بود. او فرزندانش را از کودکی به یادگیری و انجام واجبات دینی تشویق می‌کرد. حتی آنان را به تلاوت آیات به شیوه صحیح و درک کامل معانی آن‌ها وامی‌داشت. آن‌ها را به یادگیری امور فنی فرامی‌خواند. او برای ساخت بعضی از قطعات صنعتی تا پاسی از شب کار می‌کرد. او هشت ماه هر روز به یک تراشکاری می‌رفت و برای نهار به یک بیسکویت راضی می‌شد تا بتواند قطعات مورد نظر را بسازد و کشور را از واردات بی‌نیاز کند. او راه شکوفایی و استقلال کشور را در تلاش و کوشش افراد جامعه می‌دانست و با علم بدون عمل مخالف بود.»
۲۷	۱	در جمله مشخص شده، یک «نهاد»، یک «مفعول» و دو «متمم» پیدا کنید و بنویسید.
۲۸	۰/۵	دو جمله از متن بیابید که فعل آن‌ها «اسنادی» باشد.
		در هر یک از جمله‌های زیر، «نهاد» و «مفعول» را مشخص کنید.
۲۹	۰/۵	عمر حقیقی ما را شناسنامه تعیین نمی‌کند.
۳۰	۰/۵	استقلال طلبی و کنجکاوی، گاهی نوجوان را ناآرام جلوه می‌دهد.
۳۱	۰/۵	در کدام یک از بیت‌های زیر جابه‌جایی اجزای جمله اتفاق افتاده است؟
		☐ این زندگی حلال کسانی که همچو سرو / آزاد زیست کرده و آزاد می‌روند
		☐ با زبان عقربک می‌گفت عمر / می‌روم، بشنو صدای پای من
		ث) خودارزیابی (۳ نمره)
۳۲	۱	مفرد واژه جمع و جمع واژه مفرد را بنویسید. (با «ها» و «ان» جمع ننیدید.)
		الف) دقایق
		ب) اوایل
		پ) مطالب
۳۳	۱	برای هر کدام از واژه‌های زیر، دو واژه هم‌خانواده بنویسید.
		الف) صداقت
		ب) متعبد
۳۴	۰/۵	با توجه به معنی و مفهوم هر جمله، گزینه صحیح را از درون پرانتز انتخاب کنید.
		الف) این‌ها چرا و پاکدامنی و پارسایی جوانان را نمی‌پسند؟ (سلاح - صلاح)
		ب) بحمدالله برخورداری از میلیون‌ها جوان دختر و پسر افتخار برای ملت ماست. (مایع - مایه)
۳۵	۰/۵	در بیت زیر، دو واژه «مخفف» پیدا کنید.
		«فتاد از پای، کرد از عجز فریاد ز شاخی مادرش آواز در داد»
		ج) تاریخ ادبیات (۱ نمره)
۳۶	۰/۵	نام صاحب هر کدام از آثار زیر را بنویسید.
		الف) گلستان
		ب) به قول پرستو
۳۷	۰/۵	برای هر کدام از شخصیت‌های زیر، یک اثر نام ببرید.
		الف) دکتر علی شریعتی
		ب) هوشنگ مرادی کرمانی
		چ) حفظ شعر (۱ نمره)
۳۸	۰/۵	جای خالی بیت‌های زیر را با واژه مناسب پر کنید.
		الف) گر هزاران دام باشد
		ب) بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد
۳۹	۰/۵	مصرع دوم بیت زیر را بنویسید.
		از خدا جوییم توفیق ادب

آفرین، جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان، خاک را

معنی درود و ستایش بر خداوند پاک که جان را آفریده است و به انسان خاکی، جان و ایمان بخشیده است. **مفهوم** آفرینش جان توسط خداوند **آرایه** تکرار: جان **دستور** «را» در مصراع اول معنای حرف اضافه «بر» دارد و «جان آفرین پاک» متمم محسوب می شود، نه مفعول: «آفرین، جان آفرین پاک را» **معنی** «آفرین بر جان آفرین پاک» / «را» در مصراع دوم معنای حرف اضافه «به» دارد و «خاک» متمم محسوب می شود، نه مفعول: «آن که جان بخشید و ایمان، خاک را» **معنی** «آن که به خاک، جان و ایمان بخشید.» **دانش ادبی** «پاک» و «خاک» قافیه اند و «را» ردیف است. **توضیح** منظور از «جان آفرین پاک»، «خداوند» است. / «خاک» در این بیت به «انسان» اشاره دارد که طبق آموزه های دینی، از خاک خلق شده است.

«سلمان بنا اهل البیت».

معنی سلمان از ما اهل بیت است. **مفهوم** جایگاه عظیم و والای سلمان فارسی

اسلام، آئین و قانونی است که متعلق به همه افراد بشر است و بر زبان خاصی تکیه نمی کند.

معنی اسلام شیوه نامه و قانونی برای همه انسان هاست و وابسته به زبان خاصی نیست. **آرایه** کنایه: تکیه کردن کنایه از وابسته بودن

اگر می بینید ایرانیان پس از قبول اسلام باز به زبان فارسی تکلم کردند، هیچ جای تعجب و شکستی نیست.

معنی اگر می بینید که ایرانیان پس از مسلمان شدن، باز هم با زبان فارسی سخن گفتند، اصلاً عجیب و شگفت انگیز نیست.

در سراسر این آثار، مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می زند.

معنی در کل این آثار [ادبی] مفاهیم و آموزه های اسلامی و قرآنی دیده می شود. **آرایه** کنایه: موج زدن کنایه از فراوان بودن

ایران در پرتو کرایش به اسلام، همدوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه آن ها مثل دار یک تمدن شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد.

معنی ایرانیان به واسطه ایمان آوردن به اسلام، همراه با بقیه مسلمانان و جلوتر از همه آن ها، آغازگر و پایه گذار یک تمدن عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی شدند. **آرایه** کنایه: همدوش کنایه از همراه - مشعل دار کنایه از پیشرو و جلودار

ادبا و عرفا و مخوران ایرانی، حقایق اسلامی را با جامه زیبای شعر و شرفاری به زیباترین شکل، آرایش داده اند.

معنی شاعران و عارفان و نویسندگان ایرانی، حقایق [آموزه های] اسلامی را با کمک شعر و نثر فارسی، به بهترین شکل آراسته و بیان کرده اند.

آرایه تشبیه: شعر و نثر فارسی به جامه / تضاد: شعر و نثر

شعر خوانی: رستگاری

تو را دانش و دین رنماد دست در رستگاری بیدیت بُست

معنی اگر به دنبال راه نجات و سعادت و رستگاری هستی، [بدان که] حقیقتاً علم و دانش و دینداری تو را نجات خواهد داد.

چو خواهی که یابی ز هر بد را سر اندر نیاری به دام بلا

معنی اگر می خواهی که از بدی ها رها شوی و گرفتار بلا و مصیبت نشوی ... (این بیت با بیت بعد موقوف المعانی (وابسته معنا) است).

آرایه کنایه: سر اندر آوردن کنایه از گرفتار شدن / تشبیه: بلا به دام

بوی در دو کیتی ز بد رستگار کنوکار کردی بر کردگار

معنی در دنیا و آخرت از بدی ها دور باشی و نزد خداوند، جزء افراد نیکوکار قرار بگیری ... (این بیت با بیت بعد موقوف المعانی (وابسته معنا) است).

آرایه تضاد: بد و نکو **دستور** «بوی» به معنای «باشی» و فعل اسنادی است. / «گردی» معنای «بشوی» می دهد و فعل اسنادی است.

به گفتار پیغمبر راه جوی دل از تیرگی ها بدین آب شوی

معنی به کمک سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه نجات و هدایت را پیدا کن و با استفاده از این سخنان، که مانند آب پاک و زلال است، تیرگی گناه و آلودگی را از دلت پاک کن. **مفهوم** عمل به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در این بیت، منظور از «تیرگی ها»، «گناهان» است و «آب» به «گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله» اشاره دارد.

اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و وصی کبر جای

معنی اگر در انتظار [سعادت و خوشبختی در] جهان آخرت هستی، نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشین او [یعنی حضرت علی علیه السلام] احترام و آبرو پیدا کن. **مفهوم** پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام کنایه: چشم داشتن کنایه از انتظار داشتن **توضیح** در این بیت، منظور از «دیگر سرای»، «جهان آخرت» است و «وصی» به «حضرت علی علیه السلام» اشاره دارد.

بر این زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

معنی با این اعتقاد به دنیا آمده‌ام و با همین اعتقاد هم از دنیا خواهم رفت؛ این را بدان که من از ارادتمندان حضرت علی علیه السلام هستم.
مفهوم ارادت داشتن به حضرت علی علیه السلام **آرایه** تضاد: زادم و بگذرم / کنایه: خاک پی بودن کنایه از ارادت مند بودن و تواضع داشتن **توضیح** «حیدر» یکی از القاب حضرت علی علیه السلام است.

دانش زبانی

«ضمیرها» چه واژه‌هایی هستند؟

در زبان فارسی، گاهی به جای بعضی اسم‌ها، واژه‌های خاصی را قرار می‌دهیم.
مثال ۱. مرجان دوست من است. مرجان دختر خوبی است. روز تولد مرجان نزدیک است.
 ۲. مرجان دوست من است. او دختر خوبی است. روز تولدش نزدیک است.
 در مثال پایین، واژه‌های «او» و «ش» جایگزین «مرجان» در مثال بالا شده است. این واژه‌های خاص که می‌توانند جانشین اسم‌ها شوند، «ضمیر» نام دارند.
نکته استفاده از «ضمیر» باعث پرهیز از تکرار یک اسم می‌شود و کلام را روان‌تر می‌کند.

«مرجع ضمیر» چیست؟

«ضمیر» همیشه به یک واژه (اسم) اشاره دارد. به واژه‌ای که ضمیر به آن اشاره می‌کند، اصطلاحاً «مرجع ضمیر» گفته می‌شود؛ مثلاً در نمونه‌های بالا، «مرجان» مرجع ضمیر «او» و «ش» است.
مثال ۱. فرامرز پسر رستم است. پس از مرگ رستم، او به خون‌خواهی برمی‌خیزد. ← مرجع ضمیر «او»: فرامرز
 ۲. سعدی از شاعران بزرگ فارسی است و بوستانش در قالب مثنوی سروده شده. ← مرجع ضمیر «ش»: سعدی

«ضمیر» چه انواعی دارد؟

ضمیرها انواع مختلفی دارند. یکی از این انواع، که در این درس با آن‌ها آشنا می‌شویم، «ضمیرهای شخصی» است. ضمیر شخصی، مانند فعل، شخص و شمار دارند و به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. **ضمیرهای گسسته (جدا/ منفصل):** ضمیری که به صورت جداگانه به کار می‌روند و به واژه‌های دیگر نمی‌چسبند.

مفرد	جمع	
من	ما	اول شخص
تو	شما	دوم شخص
او (وی)	ایشان (آن‌ها/ آنان)	سوم شخص

۲. **ضمیرهای پیوسته (متصل):** ضمیری که مستقل نیستند و حتماً باید به واژه دیگری بچسبند تا در جمله ظاهر شوند.

مفرد	جمع	
ـ م	ـ مان	اول شخص
ـ ت	ـ تان	دوم شخص
ـ ش	ـ شان	سوم شخص

مثال ۱. من بیشتر شما را در مدرسه دیده‌ام. ← «من»: ضمیر گسسته اول شخص مفرد
 ۲. ایشان برای موفقیتتان دعا کرده‌اند. ← «ایشان»: ضمیر گسسته سوم شخص جمع
 ۳. برای تولدش بهترین هدیه‌ام را خریدم. ← «ش»: ضمیر پیوسته سوم شخص مفرد
 ۴. «ما»: ضمیر پیوسته اول شخص مفرد
 ۵. «تان»: ضمیر پیوسته دوم شخص جمع
 ۶. «شان»: ضمیر پیوسته سوم شخص جمع

نکته ۱. «وی» صورت دیگری از ضمیر گسسته «او» است. ۲. «آن‌ها» و «آنان» شکل‌های دیگر ضمیر گسسته «ایشان» هستند.

۳. «من» هنگامی که به «را» بچسبد، به صورت «مرا» نوشته می‌شود و «ن» آن حذف می‌گردد؛ به همین دلیل، «من» (م) در «مرا» ضمیر گسسته به شمار می‌رود.

اشتباه رایج باید حواسمان را جمع کنیم و ضمیر پیوسته «م» را با شکل کوتاه‌شده فعل «هستم» (ـ م) اشتباه نگیریم.

مثال ۱. همه کارم ز خودکامی، به بدنامی کشید آخر ← «ـ م»: ضمیر پیوسته اول شخص مفرد

۲. منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن ← «ـ م»: کوتاه‌شده فعل اسنادی «هستم»

اکنون، به نظر شما در بیت زیر، کارکرد «م» چیست؟

«دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم»



شهید مرتضی مطهری

تولد: بهمن‌ماه ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان خراسان / از شاگردان برجسته امام خمینی رحمته‌الله / آثار او زمینه‌ساز بسیاری از مبانی فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی / آثار: خدمات متقابل اسلام و ایران، داستان راستان، تماشاگاه راز، سیری در نهج‌البلاغه، جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام / شهادت: ۱۳۵۸ هجری شمسی



ابوالقاسم فردوسی

تولد: ۳۲۹ هجری قمری در روستای باژ واقع در منطقه توس خراسان / از نجیب‌زادگان و دهقانان توس / شیعه‌مذهب / ۲۵ یا ۳۰ سال رنج‌کشیدن برای سرودن شاهنامه / اثر: شاهنامه / درگذشت: ۴۱۱ هجری قمری (آرامگاه: توس)



فریدالدین عطار نیشابوری

تولد: ۵۴۰ هجری قمری / شاعر و عارف بزرگ ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم / آثار: تذکرةالاولیاء، منطق‌الطیر / درگذشت: پاییز ۶۱۸ هجری قمری

پرسش‌ها

واژه‌شناسی

در عبارت‌های زیر، معنای واژه مشخص شده را بنویس.

- ۱ ایرانیان پس از قبول اسلام هم به زبان فارسی تکلم کردند. (منتخب مدارس)
- ۲ در تمدن بزرگ اسلامی، ایرانیان سهم عمده داشته‌اند. (منتخب مدارس)
- ۳ ایرانیان خدماتی بسیار شایان به اسلام کرده‌اند. (منتخب مدارس)

هر کدام از واژه‌های سمت راست را به معنای آن، در میان واژه‌های سمت چپ وصل کن. (دو واژه در ستون سمت چپ اضافه است).

- | | | | | |
|----------|---|---|---------|---|
| آفریننده | ❏ | ۴ | سخنور | ❏ |
| ارزشمند | ❏ | ۵ | ارزنده | ❏ |
| پُرحرف | ❏ | ۶ | تعجب | ❏ |
| رهایی | ❏ | ۷ | کردگار | ❏ |
| شگفتی | ❏ | ۸ | رستگاری | ❏ |
| بخشنده | ❏ | | | |
| ادیب | ❏ | | | |

در هر مورد، معنای درست فعل «بگذرم» را انتخاب کن.

- ۹ بر این زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم
☐ سپری کنم ☐ بمیرم ☐ ببخشم
- ۱۰ می‌کوشم همه این اتفاقات را فراموش کنم و از بدی‌های آن افراد هم بگذرم.
☐ عبور کنم ☐ بمیرم ☐ ببخشم
- ۱۱ برای رفتن به مدرسه، ناچار بودم هر روز از رودخانه کنار روستا بگذرم.
☐ عبور کنم ☐ بمیرم ☐ ببخشم

برای هر کدام از واژه‌های زیر، دو واژه «هم‌خانواده» بنویس.

۱۷ مؤذبانہ ← ۱۸ صبر ←

از میان واژه‌های زیر، واژه‌های هم‌خانواده را پیدا کن و در جاهای خالی، کنار هم بنویس. (دو واژه اضافه است.)

مطرح - سکوت - طهارت - طزّاحی - ساکت - کسالت - طرح - مسکوت

۱۹ دسته اول: دسته دوم: ۲۰

درست نادرست



درست یا نادرست بودن هر عبارت را مشخص کن.

۲۱ واژه‌های «نجوا» و «مناجات» هم‌خانواده هستند.

۲۲ واژه «مرتا» هم‌خانواده «ارباب» نیست.

۲۳ واژه‌های «قلب» و «تقلب» و «قلب» هم‌خانواده‌اند.

به کمک پرسش‌های زیر، خانه‌های جدول را پر کن.

۲۴ واژه پرسش از دلیل یک چیز

۲۵ هم‌خانواده راحت

۲۶ قطعه، بخش کوچک، قسمت

۲۷ کند؛ متضاد سریع و تند

۲۸ مترادف تشویق

۲۹ زیر لب سخن گفتن

۳۰ گروه؛ جمع

املا

با توجه به آنچه درباره شکل‌های مختلف «همزه» (ؤ / أُ / ئ) و حرف «عین» (ع / ع / ع / ع) و محلّ و شیوه کاربرد آن‌ها آموخته‌ای، در هر واژه جای خالی را به کمک معنا با حرف مناسب پر کن.

۳۱ س.....ال: پرسش ۳۲ م.....دّبانہ: همراه با ادب

۳۳ ر.....یس: سرپرست ۳۴ م.....شّفانہ: بدبختانه

۳۵ موق.....ہنگام ۳۶ ب.....یدن: قورت دادن

در هر مورد، شکل املائی درست را انتخاب کن و دور آن خط بکش.

۳۷ آدم‌آهنی گاهی با چشم نارنجی‌رنگش (موزیانه / موزیانه) چشمک می‌زد.

۳۸ من گاززدن برگ‌های جوان درخت (بلوت / بلوط) را دوست دارم.

۳۹ اگر بفهمد از من تعریف می‌کنند، (مطمئنم / مطمئنم) مرا تحسین می‌کند.

۴۰ باد می‌وزید و با خود (رایهه / رایحه) گل‌ها و برگ‌ها را می‌آورد.

یه جای کار می‌لنگه!

در ادامه، بخش‌هایی از آزمون املائی یک دانش‌آموز را می‌بینید. غلط‌های املائی این دانش‌آموز را پیدا کن و شکل درست آن‌ها را بنویس.

۴۱ جمله املا: مهربانی و محبت در هر اشتماعی لازم است و بدون آن، تقدیر و سرنوشت ناگواری در انتظار آن خواهد بود.

تصحیح شما:

۴۲ جمله املا: راستی چرا بعضی چیزها را مرتب‌تر تکرار می‌کنی؟ از تکرار خسته نمی‌شوی؟ خیلی خوب، وقت رفتن است.

تصحیح شما:

۴۳ جمله املا: مصطفی و مشتبی دانش‌آموزان بسیار خوبی هستند و من بلافاصله با آن‌ها دوست شدم.

تصحیح شما:

معنی و مفهوم و درک مطلب

در هر جمله، معنای کنایی بخش مشخص شده چیست؟

(منتخب مدارس)

۴۴ سؤال‌های او باعث شد جواب‌هایم غلط باشد و خوب از آب در نیاید.

۴۵ دل آدم آهنی گرفت؛ احساسی که تا آن موقع به او دست نداده بود.

(منتخب مدارس)

۴۶ آدم آهنی با شجاعت بادی در گلو انداخت و می‌خواست فریاد بکشد.

۴۷ بال‌بالی به آرامی گفت: «خدا نگهدارت!» و بعد نفس آخر را کشید.

۴۸ بیت «خدا آن ملّتی را سروری داد» که تقدیرش به دست خویش بنوشت» به دنبال بیان کدام مفهوم است؟

☐ اعتقاد به تقدیر و سرنوشت حتمی

☐ استقلال طلبی و دوری از وابستگی

☐ توصیه به نویسندگی و اهمیت آن

☐ قدرتمند شدن به وسیله خداواری

۴۹ مفهوم کلی بیت زیر در کدام بیت دیده می‌شود؟

«خدا آن ملّتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت»

☐ ملّتی را که شد فراموش‌کار

☐ خودی را گیر و محکم گیر و خوش زی

☐ چون که اخلاق ملّتی شد پست

عاقبت، اشکبار می‌بینم

مده در دست کس، تقدیر خود را (زی: زندگی کن)

دیر یا زود، می‌رود از دست

۵۰ کدام بیت به مفهوم کلی داستان «آدم آهنی و شاپرک» اشاره دارد؟

☐ مهربانی گر نباشد، زندگی پژمردگی‌ست

☐ اگر هر خشمی از نامهربانی‌ست

راه و رسم زندگانی را که تعلیم تو کرد؟

به من، خشم تو هست از مهربانی

دانش زبانی

با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ بده.

«خدا آن ملّتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت»

۵۱ نقش دستوری بخش‌های مشخص شده را بنویس.

خدا: آن ملّت: سروری: تقدیرش:

۵۲ یک «ضمیر» در بیت پیدا کن، نوع آن را مشخص کن و همراه با «مرجع ضمیر» بنویس.

← ضمیر: / نوع ضمیر: ☐ پیوسته ☐ گسسته / مرجع ضمیر:

۵۳ این بیت از چند جمله تشکیل شده است؟ تعداد جمله‌ها:

۵۴ زمان فعل‌های به کار رفته در بیت چیست؟ زمان فعل‌ها:

برای استفاده در ساخت فعل «آینده» از مصدرهای زیر، کدام گزینه را انتخاب می‌کنی؟

۵۵ فهمیدن: ☐ می‌فهمید ☐ فهمید ☐ فهمیدم ☐ فهم

۵۶ شناختن: ☐ شناخت ☐ می‌شناختم ☐ شناس ☐ بشناس

۵۷ خواندن: ☐ خواندم ☐ خوان ☐ می‌خوانی ☐ خواند

۵۸ پوشیدن: ☐ پوشش ☐ می‌پوشم ☐ پوشید ☐ پوش

با توجه به نمونه نوشته شده، خانه‌های هر جدول را با فعل‌های زمان آینده از مصدر داده شده تکمیل کن.

مفرد	جمع	اول شخص
.....	خواهیم دید	دوم شخص
.....		سوم شخص
.....		

مفرد	جمع
.....	
.....	
.....	خواهند پوشید

- ۶۱ شعر زیر سروده «سهراب سپهری» است. جاهای خالی آن را با فعل «اول شخص مفرد زمان آینده» از مصدری که داخل پرانتز آمده است، پُر کن.
 قایقی (ساختن) / (انداختن) به آب / دور خواهم شد از این خاک غریب / که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه
 عشق / قهرمانان را بیدار کند. قایق از تور تَهی / و دل از آرزوی مروارید / هم چنان (راندن) / نه به آبی‌ها دل
 (بستن) / نه به دریایرانی که سر از آب به در می‌آرند. هم چنان خواهم راند / هم چنان (خواندن): «دور باید شد، دور!»
- ۶۲ خانه‌های خالی جدول زیر را به کمک آموخته‌هایت درباره فعل و با توجه به نمونه کامل کن.

شمار	شخص	زمان	مصدر	شناسه	بن فعل	فعل
جمع		آینده		ید	رفت	خواهید رفت
.....	اول شخص					می‌سوزیم
مفرد	اول شخص	گذشته	گفتن			
.....						خواهی چید

یه جای کار می‌لنگه!

دانش‌آموزی درباره پرسش زیر، توضیحاتی داده و این سؤال را غلط دانسته! به نظر شما توضیح او درست است؟ اگر نظر شما با او فرق دارد، دلیل را بنویس.

۶۳ **پرسش** در کدام مصراع فعل «آینده» به کار رفته است؟

- ☐ ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟
☐ تا ابد سبز سبز خواهم ماند
☐ گفت می‌خواهم آفتاب شوم
☐ چو خواهی که یابی ز هر بد رها

پاسخ در همه مصراع‌ها فعل آینده به کار رفته و به همین دلیل، این سؤال پاسخ درست ندارد.

نظر شما

در هر جمله نقش دستوری بخش مشخص شده را بنویس.

۶۴ بیشتر از همه چه چیزی را دوست داری و از چه چیزی خوش نمی‌آید؟

.....

(منتظ مدارس)

۶۵ مردم پس از هر پاسخ می‌خندیدند و به فهرست سؤال‌ها خیره می‌شدند.

.....

«وصفی» یا «اضافی» بودن هر یک از ترکیب‌های زیر را تعیین کن.

- ۶۶ جمعیت زیاد ☐ ترکیب وصفی ☐ ترکیب اضافی
 ۶۷ درختان بلوط ☐ ترکیب وصفی ☐ ترکیب اضافی
 ۶۸ دل آدم‌آهنی ☐ ترکیب وصفی ☐ ترکیب اضافی
 ۶۹ سکوت مرگبار ☐ ترکیب وصفی ☐ ترکیب اضافی

دانش ادبی

۷۰ با توجه به داستان «آدم‌آهنی و شاپرک»، هر کدام از شخصیت‌های این داستان «نماد» چه انسان‌هایی هستند؟

..... آدم‌آهنی: شاپرک:

۷۱ مهم‌ترین و برجسته‌ترین آرایه ادبی به کاررفته در داستان «آدم‌آهنی و شاپرک» چیست؟ چرا؟

← (آرایه: / دلیل:)